

نشریه فرهنگی سیاسی اجتماعی

لکزه

سال سوم، آذرماه ۱۳۹۸، شماره ۳

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: کژال یوسفی

بیانیه‌های شکل‌های دانشجویی اصلاح طلب و تحول خواه استان کرمانشاه به مناسبت روز دانشجو و اعتراضات اخیر



انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه



انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه رازی



انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی کرمانشاه

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه‌ی شکل‌های دانشجویی اصلاح طلب و تحول خواه استان کرمانشاه به مناسبت روز دانشجو

بنده‌ی دیگری مباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفرید.
حضرت علی (ع)

تهران رقم زد. ما بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که در عین حال که در برابر قدرت‌های بزرگ از هر فرصتی برای دفاع از منافع ملی استفاده کنیم و سیاست خارجی را از انفعال خارج نموده و سرنوشت ملت را قربانی شعارهای غیرمسئولانه نکنیم، حقوق ملت را احیاء نموده و از هر فرصتی برای عقب راندن نیروهای اقتدارگرا استفاده کنیم. برای ایجاد دانشگاهی آزاد و مستقل تلاش کنیم. گرامی باد یاد شهدای ۱۶ آذر، مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و آذر شریعت‌رضوی.

۱۶ آذر ۱۳۹۸



آذر شریعت رضوی، مصطفی بزرگ نیا، احمد قندچی

بسیاری از دانشجویان آسیب بینند. در دانشگاه تهران نیز به طرز عجیبی برای دستگیری دانشجویان معترض از آمبولانس استفاده شد. این هجوم‌های مکرر نشانگر این است که تعرض به حریم دانشگاه و دانشجو، تبدیل به قاعده گشته است و متأسفانه در تمام بزنگاه‌های تاریخی دانشجویان نیز قربانی می‌شوند. بنا بود دولت آقای حقوق‌دان دانشگاه را از وضعیت پادگانی خارج کند، اما همچنان دانشگاه آماج تاخت‌وتاز نیروهای امنیتی و عملیات‌های گزاف‌نمایی است و نیروهایی در امور دانشگاه مداخله می‌کنند که دانشگاهی نیستند و از نهادهای بیرون دانشگاه بر دانشگاهیان تحمیل شده‌اند و متأسفانه از امکانات دانشگاه برای پیشبرد مقاصد خاص سیاسی استفاده می‌کنند.

در آستانه انتخاباتی قرار داریم که به طرز عجیبی همزمان شده است با دور زدن مجلس از سوی سران سه قوه و نکته جالب توجه این است که ریاست مجلس زمانی که با اتهام نقض قانون اساسی مواجه شد با گفتن اینکه قانون اساسی وحی منزل نیست، تصریح کرد که دیگر بنا نیست قانون اساسی فصل الخطاب باشد، گرچه پیش از آن نیز با تشکیل شورای سران سه قوه قانون اساسی از حیز انتفاع خارج شده بود.

از سوی دیگر چند دهه است که نظارت استصوابی حق رأی مردم را تا حد زیادی مخدوش کرده است و مردم ایران دایره انتخاب‌شان به ترجیحات شورای نگهبان محدود شده است. به واسطه مخدوش شدن حق رأی مردم فعالیت سیاسی دیگر معنا و مفهومی ندارد، چون هیچ شخص و گروهی از پیش از تصمیمات این شورا باخبر نیست و تنها کسانی تا حدی اطمینان از حضور در انتخابات دارند که همسو با گرایش‌های سیاسی بخش انتصابی حکومت هستند. در نتیجه با وجود آنکه نظام سیاسی ما تک‌حزبی نیست و احزاب گوناگونی مجوز فعالیت دارند اما عملاً بخش بسیار ناچیزی از طیف متنوع سیاسی کشور حق مشارکت در انتخابات را دارند. از یک سو ملت حق انتخاب ندارند و از سوی دیگر این نهاد که مظهر جمهوریت نظام است، خالی از هرگونه قدرتی شده است و این شرایط انگیزه مردم برای شرکت در این انتخابات را کاهش داده است.

شرایط امروز ما همچنان از حیث داخلی و خارجی مشابه با شرایطی است که فاجعه روز دانشجو را در دانشگاه

امسال در حالی سالگرد روز دانشجو را گرامی می‌داریم که وقایع خونبار آبان ۹۸ دل هر انسان آزادی‌خواهی را به درد آورده است، هنوز حتی اطلاع جامعی در خصوص قربانیان و آسیب‌دیدگان این واقعه نداریم. به نظر می‌رسد پس از گذشت چندین دهه از ۱۶ آذر ۳۲ که سه یار دبستانی در اعتراض به مداخله خارجی و استبداد داخلی در صحن دانشگاه به خاک و خون کشیده شدند، با وجود تحولات عظیم سیاسی و فرهنگی، همچنان با معضلات سیاسی مشابهی مواجه هستیم که به شکل و خیمه‌ی لاینحل باقی مانده‌اند و مسیر رهایی ملت را در ایجاد ایرانی مستقل و آزاد در بن‌بست و استیصال فرو برده است و نویدی را بر بخش زیادی از ملت تحمیل کرده است.

تحریم‌هایی که دولت ترامپ بدون توجیهی منطقی علیه دولت و ملت ایران اعمال کرده است، اگرچه از جنس کودتای ۲۸ مرداد نیست، اما تأثیرات آن کمتر از آن کودتای بدشگون نیست. اگر این تحریم‌ها و فشارها را کودتای سیاسی ندانیم، می‌توان آن را کودتای تمام‌عیار اقتصادی تلقی کرد. از یاد نبریم که این تحریم‌ها درست در زمانی رخ داد که دولت ایران علی‌رغم تمام مشکلات داخلی و بی‌میلی و سنگ‌اندازی‌های بخش انتصابی حاکمیت، پای میز مذاکره با قدرت‌های بزرگ نشست و برای نخستین بار در دوران پس از انقلاب به توافقی چندجانبه با قدرت‌های بزرگ دست یافت و پایبند به آن باقی ماند، اما ناگهان مورد تهاجم تحریم‌های ظالمانه ترامپ قرار گرفت به نحوی که این روزها اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. به هر صورت معیشت و کرامت ایرانیان امروز با قیچی دولبه‌ی برنده‌ای تهدید می‌شود که یک سوی آن را آمریکای عهدشکن و قلدر و سوی دیگر آن را لجوجان بی‌خرد تشکیل می‌دهند که سفره معیشت مردم را روز به روز تهی و تهی‌تر کرده و زندگی را به کامشان تلخ نموده‌اند.

از حیث داخلی نیز برخورد حکومت با اعتراضات نیز چندان تفاوتی با آن دوران نکرده است. آمارها بیش از حد تکان‌دهنده است. متأسفانه در کرمانشاه نیز شاهد بودیم که در روزهای نخست اعتراضات آبان‌ماه، به یکی از خوابگاه‌های دانشجویی حمله شد. هجومی که یادآور حمله به کوی دانشگاه در سال‌های ۷۸ و ۸۸ بود و موجب شد تا

انجمن فرهنگ و سیاست رازی
به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو
برگزاری می‌کند

حضور در دانشگاه

نریبون آزاد با موضوع:

سه‌شنبه ۱۹ آذرماه ساعت ۱۱:۴۰
دانشکده‌ی فنی مهندسی

بیانیه شکل های دانشجویی تحول خواه استان کرمانشاه در خصوص حوادث ناگوار آبانماه ۹۸

بسمه تعالی

ایرانیان در روزهای اخیر با حوادث ناگوار و مواجه بودند، فجایعی که دل هر ایرانی آزادی خواه و وطن پرستی را به درد می آورد. در این سالها مردم ایران درگیر مثلثی هستند که حیات آنها را به مخاطره انداخته است. مثلثی که مهم ترین ضلع آن تحریم و فشارهای اقتصادی دولت قلدرا مآب ترامپ است، اما ضلع مقابل آن سیاست های ماجراجویانه منطقه ای و اصرار بر عدم مذاکره در سطح سیاست خارجی کشور است که ناشی از بی تدبیری تصمیم گیران سیاست های کلان خارجی کشور می باشد و در نهایت ضلع دیگر، فساد سیستماتیک در نظام اقتصادی کشور و اختلاس های پیاپی است. این مثلث در سال اخیر روز به روز احاطه خود بر مردم را تشدید کرد و فشار به مردم ایران را تا آستانه لبریز شدن پیش برد.

در میان این حجم از فشار، بازگشت سیاست های اقتصادی نابخردانه دولت نهم و دهم نیز مزید بر علت شد تا فشار بر مردم افزون شود. سیاست هایی که نشانه های آن را در طرح سهمیه بندی سوخت و اعطای مبالغی به ۶۰ میلیون ایرانی، می توان یافت. این مسئله بیش از مسائل دیگر ایرانیان را آزرده خاطر کرد. زیرا پیامی را مبنی بر عدم تغییر سیاست های حاکم بر ملت، با تغییر دولت ها به همراه داشت. مردمی که در سال های ۹۲، ۹۴ و ۹۶ با امید برقراری ارتباط مستمر و پایدار ایران با کشورهای مختلف، اصل قرار گرفتن منافع ملی، حاکم شدن سیاست های اقتصادی معقولانه، استقرار فضای باز سیاسی و فرهنگی، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و رهایی از حبس ها و حصرها و در نهایت محترم شمردن حق اعتراض مردم و صیانت از کرامت آنها به پای صندوق های رأی آمده بودند، امروز تمام آرزوهای شان را بر باد رفته دیدند. بدین صورت که این روزها شاهد آن بودیم که دولت مدعی حقوق شهروندی همراه با اقتدارگرایان به حذف صدای

مردم پرداخت. دولتی که دم از گردش آزاد اطلاعات می زد در بدو اعتراضات با قطع اینترنت، ارتباطات مردم ایران را محدودتر از همیشه کرد و از همه مهم تر دولتی که رئیس آن معروف به شیخ دیپلمات بود امروز به جای آن که با اتخاذ سیاست خارجی معقولانه، مشکلات اقتصادی دولت و ملت را حل کند؛ چشم های خود را به جیب ملت ایران دوخته است.

ما تشکل های دانشجویی تحول خواه استان کرمانشاه ضمن عرض تسلیت و ابراز هم دردی با خانواده آسیب دیدگان و هم چنین محکوم کردن به کارگیری خشونت از جانب هر جریانی، اعلام می داریم:

۱- مسبب اصلی وقایع اخیر تمامی ارکان حکومت است به نحوی که با پافشاری بر حذف جریان های مختلف و نظارت استصوابی، جلوی حاکمیت مردم بر مردم را گرفته و باعث شکاف عمیق دولت و ملت شده است. لذا دور شدن از وقوع حوادثی از این دست بدون آغاز گفتگوی ملی و اصلاحات ساختاری ممکن نیست.

۲- نقطه آغاز حوادث اخیر، تصمیم گیری شورایی تحت عنوان شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه بود. شورایی که با دور زدن مجلسی که قرار بود در رأس امور باشد، دست به تصمیم گیری برای ملت زد. تأسیس این شوراهای فراقانونی، ابطال قانون اساسی است؛ به عبارتی دیگر ایجاد این شورا، همین ساختار دموکراسی نیم بندی که در چارچوب قانون اساسی وجود دارد را از بین برده است. علاوه بر آن اصل تفکیک قوا نیز لگدمال شده است. سه قوه باید بر هم نظارت کنند، ائتلاف شان قطعاً علیه مردم و نقض جمهوریت و تفکیک قوا است. وضعیت این چنین را نمی توان جمهوری خواند، بلکه می توان شرایط موجود را حکومت طبقه حاکم بر طبقه محکوم دانست و آنچه بیش از هر چیز مردم را به واکنش واداشت، لمس همین مسئله بود که پیامی آشکار را به سران نظام مخابره کرد.

۳- راهکارهای منسوخ شده حکومت همچون: گماردن نیروها و ادوات نظامی در معابر شهری، قطع اینترنت و منسوب کردن معترضان به ارتباط با بیگانگان و گروه های خارج از کشور چیزی جز حذف صورت مسئله نیست و تاریخ گواه می دهد که این روش ها نه تنها راهگشا نبوده بلکه نتیجه آن چیزی جز درگیری های داخلی و فرار گرفتن مردم علیه مردم نخواهد بود.

۴- نوع کنش ورزی مردم طی دو سال اخیر نتیجه نوع حکومت رانی حاکمیت در سال های گذشته است. زمانی که هیچ منفذی برای اعتراض وجود ندارد و حق اعتراض مردم سال های سال پایمال شود، طبیعی است که خشونت چاشنی تحریکات مردم خواهد شد. لذا اعلام می داریم تا زمانی که به قانون اساسی بازنگردیم و به صورت عملی به اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی اهتمام نوزیم، مواجهه با وقایعی از این دست دور از ذهن نخواهد بود.

در نهایت با تأسی از میر در حصرمان اعلام می داریم: <برادران ما! اگر از هزینه های سنگین و عملیات عظیم خود نتیجه نمی گیرید، شاید صحنه درگیری را اشتباه گرفته اید؛ در خیابان با سایه ها می جنگید حال آن که در میدان وجدان های مردم خاک ریزهای تان پی در پی در حال سقوط است.> گیرم که با نمایش اسلحه در خیابان ها مردم را مجبور به سکوت کردید، واقعیت های جامعه چه خواهید کرد؟

انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه رازی

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی کرمانشاه

۸ آذر سال ۱۳۹۸

مصاحبه روزنامه همشهری با سید محمدحسین عربی، دبیر انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه رازی به مناسبت ۱۶ آذر «روز دانشجو»

امروز مصادف شصت و ششمین سالگرد حماسه ماندگار و بی بدیل دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران هستیم. حادثه ای که آغازگر جنبشی به عنوان جنبش دانشجویی بوده است. این جنبش در طول این ۶۶ سال روزهای مختلفی را گذرانده است. فراز و فرودی که در برهه ای، جنبش دانشجویی به عنوان مهم ترین رکن جامعه مدنی تلقی می شود و در دوره ای از جنبش تبدیل به جریان می شود و اثرگذاری اش بر جامعه کاهش می یابد. با مطالعه تاریخ جریان دانشجویی مشاهده می شود که کنش دانشجویان همیشه علیه مثلث: استبداد، استعمار و استحمار بوده است. مثلثی که از دل سخنان مرحوم شریعتی برخاسته است. بدین صورت که دانشجویان روزهایی به مبارزه علیه استبداد می پردازند و روزی در مقابل زیاده خواهی بیگانگان می ایستند و باید هر روزه در تلاش باشند که جهل و نادانی را از خود دور کنند. هر زمان که تضاد با اضلاع این مثلث شوم کامل شده، اثرپذیری جریان دانشجویی بر جامعه بیش از پیش شده است.

دانشجویان امروز نیز از این قاعده مستثنی نیستند و امروز هم شاهد آن هستیم که دانشجویان هويت خود را در تضاد با این مثلث تعریف می کنند. البته عده ای در تلاشند تا

کشور بدون هیچ بازدهی به صرف بودجه دانشگاه ها می پردازند. حال آنکه فعالیت علمی نیز ندارند. از نظر بنده این نهادها علاوه بر آن که غیر دانشگاهی هستند. غیرقانونی نیز هستند. زیرا این نهادها برخاسته از یک شورای فراقانونی به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند، شورایی که جایگاهی در قانون اساسی ندارد. علاوه بر آن طبق همان مصوبات شورای مذکور این نهادها اجازه فعالیت سیاسی ندارند، اما از روز تأسیس این نهادها شاهد آن بودیم که نه تنها به فعالیت سیاسی می پردازند بلکه برنامه های خود را به سمتی برده اند که به تخریب و حذف جریانات و صداهای مختلف دانشگاهی بیانجامد و دانشجویان به جایی رسیده اند که خطاب به این نهادها می گویند که دست کم فقط به فعالیت سیاسی در راستای تبلیغ جریان خود پردازید، نه اینکه با استفاده از قدرت فراقانونی خود دانشگاه را تبدیل به پادگان کنید.

بدین صورت است که نهاد های مذکور مقابل هر گونه مطالبه گری در دانشگاه ها می ایستند. زیرا می دانند که اگر دانشجویان به پیگیری و واکاوی مطالبات خود پردازند، شاهد حذف سیطره آنان بر دانشگاه و دانشگاهیان خواهیم بود.

مطالبات دانشجویان را به سمتی ببرند که از مسیر چند ساله خود دور کنند. جریاناتی که از نهادهای قدرتمند خارج از دانشگاه خط می گیرند و سعی بر آن دارند که مطالبات دانشجویان را در سطح نگاه دارند و هرگونه مطالبه گری را به سیاسی کاری متهم می کنند.

مطالبات دانشجویان دایره گسترده ای دارد: از سیاست های پولی سازی آموزش تا نازل شدن سطح علمی دانشگاه ها. به نظر بنده اکثریت مطالبات دانشجویان را می توان معلول یک علت کلی دانست و آن <حاکم شدن غیر دانشگاهیان بر دانشگاه> است. بدین صورت که در تمام شوراها و هیئت های تصمیم گیر دانشگاه افرادی که تحصیلات دانشگاهی ندارند نیز حضور دارند و به پشتوانه نهادهای خارج از دانشگاه قدرت بسیار بالایی نیز دارند. متأسفانه همین افراد غیر دانشگاهی با استفاده از روش هایی مثل همان داستان بورسیه های غیر قانونی سعی دارند که نیروهای غیردانشگاهی خود را با این پوشش به دانشگاه ها گسیل کنند که متأسفانه در این سالها موفق نیز بوده اند. لذا می توان چنین گفت که مهم ترین مطالبه دانشجویان حذف نهادهای غیر دانشگاهی به مانند نهادهای شبه نظامی از دانشگاه هاست. نهادهایی که در این شرایط اضطراری